بسم الله الرحمن الرحیم

# در نزدیکی قله

همه کشورهایی که به سمت پیشرفت اقتصادی حرکت کرده‌اند و به قله رسیده‌اند؛ -مثل ایالات متحده آمریکا، قبل‌ از آن بریتانیا و قبل از بریتانیا، هلند. حتی همزمان با ایالات متحده آمریکا، آلمان و ژاپن- توانستند با اقداماتی سهم قابل توجهی از ارز رایج جهانی را از آن خود کرده و به ابرقدرت اقتصادی دنیا تبدیل شوند. و ارز کشورشان را به ارز ذخیره‌ی جهانی تبدیل کنند.

سوالی که مطرح می‌شود این است که این کشورها چطور به این مرحله رسیده‌اند و چه مراحلی را طی کرده‌اند؟ آیا یک شبه به این درجه رسیده‌اند؟!

با مطالعه‌ در حوزه اقتصاد، در می‌یابیم که همه این قدرت‌ها روزگاری از درمانده‌ترین کشور‌های دنیا محسوب ‌می‌شدند و با طی یک مسیر هشت مرحله‌ای، به قله شکوفایی رسیدند.

به عنوان مثال؛ هلند تا سال ۱۵۶۸م مستعمره هابسبورگ اسپانیا بود. نه تنها اسپانیا اجازه تصویب قانون اساسی به هلندی‌ها نمی‌داد، بلکه هلندی‌ها حتی حق تبلیغ دین رسمی خود که پروتستان بود را به دلیل کاتولیک بودن اسپانیایی‌ها نداشتند. جان دی باکر اولین فرد هلندی بود که در سال ۱۵۲۵م به جرم گرویدن به آیین پروتستان، در حالی‌که به چوب بسته شده بود، زنده زنده سوزانده شد. هزینه‌های وابستگی به اینجا ختم نمی‌شد. هلندی‌ها که اقتصادشان کاملا وابسته به تجارت دریایی بود، مجبور بودند برای تداوم حیات اقتصادی خود سیاست‌های تحمیلی از سوی اسپانیا را تحمل کنند و برای تامین امنیت سفر‌های دریایی خود به نیروهای اسپانیا هزینه‌‌های سنگینی پرداخت کنند.

یا ایالات متحده آمریکا خود مستعمره بریتانیا بود. بریتانیا با مردم آمریکا با وجود اینکه از اروپا و اغلب از بریتانیا به آمریکا مهاجرت کرده بودند همچون سایر مستعمرات برخورد می‌کرد و آنها را مانند سایر مستعمرات مجبور به پرداخت مالیات‌های سنگین می‌کرد. جان آدامز دومین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و از رهبران انقلاب آمریکا ریشه انقلاب مردم آمریکا را «مالیات‌های هنگفت، مالیات‌های سنگین، مالیات‌های ظالمانه، ویران‌گر و غیر قابل تحمل» ‌می‌دانست.

بریتانیا برای حمایت از کالای داخلی اجازه تولید کالاهایی که در کشورش تولید می‌شد را به مستعمراتش نمی‌داند. همه این محدودیت‌ها در جمله‌ی ویلیام پیت نخست وزیر بریتانیا در اواخر دهه ۱۷۶۰ خلاصه می‌شود

«مستعمرات آمریکایی نباید اجازه داشته باشند هیچ کالایی تولید کنند، حتی یک میخ نعل اسب»

بریتانیا و آلمان هم دو کشور خام فروش بودند که اقتصادشان کاملا وابسه به خام فروشی بود. اقتصاد آلمان تا اوایل قرن ۱۹م تاحد زیادی وابسته به کشاورزی و صادرات مواد خام غذایی بود.

اقتصاد بریتانیا کاملا وابسته به صادرات پشم خام بود و روز به روز افزایش می‌یافت تاجایی که ۶۳٪ از کل درآمد دولت پادشاهی به صادرات پشم وابسته بود. و به آن لقب «جواهر قلمرو پادشاهی» داده بودند. و برای حفاظت از آن هرکاری می ‌کردند، ادوارد اول دستور داده بود تمام گرگ‌ها‌ی انگلستان را برای محافظت از گوسفندان بکشند و به شکارچیان گرگ، هدایا و القاب ارزشندی می‌داد

حال سوال اینجاست؛ این مراحلی که توانست این کشورها را از مرحله حضیض وابستگی و هزینه‌های غیر قابل تحمل به اینجا برساند، چیست؟!

**مرحله اول**، انقلاب است. یعنی همه این کشورها پس از آنکه اوضاعشان غیر قابل تحمل انقلاب کرده‌اند و در انقلابشان سختی کشیده‌اند و خون داده‌اند تا اینکه در نهایت توانستند یک نظام سیاسی مستقل داشته باشند، درست مثل انقلاب ما.

**مرحله دوم**، تقویت نظامی و عبور از بحران‌‌سازی‌های کسانی است که می‌خواستند از آنها مستقل شوند. مثلاً ایالات متحده آمریکا مستعمره بریتانیا بود و می‌خواست مستقل بشود. یک جنگ هشت ساله، دقیقاً مثل جنگ هشت سالهٔ ایران به آن تحمیل شد که بسیار هزینه داد و بسیار تورم در آن به وجود آمد و بسیاری از مردم کشته شدند؛ رهبران این کشور ترور شدند و تحریم اقتصادی شدند؛ تحریم‌های پرفشار که صدمه بسیاری به این کشور زد.

**مرحله سوم**، پیشرفت علمی است. آن‌ها برای این که در اقتصاد و تولید و تأمین کالای مورد نیاز خود به کشورهای استعمارگر وابسته نمانند، در پیشرفت علمی سرمایه گذاری کردند. به همین خاطر به اجبار، هزینه‌هایی کردند که برایشان در آن زمان درآمدی نداشت و کسری بودجه و تورم را برای دولت‌ها به وجود آورد. برای گذر از این مرحله و نزدیک شدن بیشتر به موفقیت، باید دو کار اساسی انجام می‌داند که دو مرحله بعدی را رقم می‌زد.

**مرحله چهارم**، باید این نقدینگی و چاپ پول‌هایی که بابت این سرمایه گذاری‌ها بود، به فناوری می‌رسیدند

**مرحله پنجم**، باید از تولید داخل خودشان در برابر کالاهای ارزان قیمت خارجی حمایت می‌کردند تا بتوانند از جهت قیمت و کیفیت به مزیت رقابتی برسند.

**مرحله ششم**، همه این مراحله پنجگانه گذشته هزینه‌هایی بود که در آن مرحله، درآمدی به نفع دولت‌ها به دست نمی‌آورد تا بتواند کشور را از یک حالت پر نوسان و پر چالش خارج کند و به ثبات برساند. برای همین از پنج مرحله گذر کردند و در مرحله ششم رسیدند به جایی که بتوانند این نقدینگی‌ها را مدیریت کنند و این ساختارها را به نفع بخش تولید مدیریت کنند و به کشور ثبات بدهند

**مرحله هفتم**، پس از آنکه ساختار مالی خودر را اصلاح نمودند توانستند به بازارهای جهانی ورود کنند و صادرات خودشان را افزایش بدهند

**مرحله هشتم**، به قله صادرات جهانی و به قله پیشرفت رسیدند و ارز آنها به یکی از ارزهای ذخیره جهانی تبدیل شد.

ایران نیز مسیر مشابهی را جلو می‌رود. همان مشکلاتی که برای آن‌ها به وجود آمد برای ما هم به وجود آمده است؛ بلکه بعضاً شدیدتر. ما هم انقلاب کردیم و از بحران‌هایی مثل جنگ و ترور مسئولین‌مان عبور کردیم ولی هنوز درگیر بحران‌های اقتصادی هستیم. با پیشرفت علمی و تولید فناوری، توانستیم کالای مورد نیاز خودمان را تا حد زیادی تولید کنیم. مثلاً 96% صنعت دارویی خودمان را بومی سازی کرده‌ایم[[1]](#footnote-1) و بسیاری از صنایع را در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی و نیروگاه و هوافضا و امثالهم را توانسته‌ایم تولید بکنیم. اما هنوز با بومی کردن این فناوری‌ها در خیلی از عرصه‌ها مثل خودرو فاصله داریم و مثل بقیه مسائل باید در اینها نیز پیش برویم. از بسیاری از این فرآیندهای علمی حمایت کردیم و شرکت‌های دانش بنیانی را تأسیس کردیم که در سال ۱۴۰۰ فروش آنها به ۴۰۰ هزار میلیارد تومان رسید که نسبت به سال قبل از آن ۸۶ درصد رشد داشت.[[2]](#footnote-2) به این شکل، این سرمایه گذاری علمی، ما را به سوددهی و بازدهی می‌رساند.

اما الان نیاز داریم که نقدینگی‌های تولید شده و ساختارها را مدیریت کنیم و بخش‌های غیر مولد را با مالیات بر عائدی سرمایه کنترل کنیم. همان کاری که آمریکا و هلند و بقیه این کشورها انجام دادند تا بتوانیم از مرحله ششم نیز عبور کنیم و به ثباتی برسیم که بتوانیم در بازارهای جهانی نقش ایفاء کنیم.

اما اینکه می گوییم ما نزدیک به قله‌ها هستیم به این معنا نیست که هیچ مشکلی نداریم! آمریکایی که در نزدیکی قله‌ها بود و در دهه 1890 به قله‌اش رسید، در دهه 1860 و دهه 1870 با یک جنگی داخلی که بریتانیا به این کشور تحمیل کرد و بحران تجزیه طلبی، و بحران نصف شدن ارزش پول مواجه شد و تورم آن در این بحران ساخت انگلیس، دو برابر شد. مشابه همان اتفاقی که برای کشور آمریکا رقم خورد، در سال ۱۴۰۱ در کشور ما نیز بحران «تجزیه طلبی» را ایجاد کردند ولی نتوانستند. در سال جاری هم تروریستهای داخلی اجیر شده دشمن در سر خیالهای خام اینچنینی می‌پرورند که با عنایت خدا کار ی نخواهند کرد. هلند زمانی که در دهه 1650 به اوج خودش رسید در دهه 1630 با بحران تورم‌های سنگین نشات گرفته از انتظارات تورمی در بازارهای سرمایه‌ای گل لاله مواجه شد. بریتانیایی که در مرز رسیدن به قله بود، با تورم‌های سنگین ناشی از برخی جنگ‌ها و افزایش نقدینگی مواجه شد. نقدینگی در آلمان در دهه 1870 تقریباً به اوج خودش رسید و در اواخر دهه 1840 و اوایل دهه 1850، کار به جایی رسید که سیب زمینی آن قدر در این کشور گران شد که عمده درآمد مردم به خرید سیب زمینی اختصاص می‌یافت تا از گرسنگی نمیرند. چرا که نمی‌توانستند چیز دیگری غیر از سیب زمینی بخرند. همه این کشورها در نزدیکی به قله سختی‌ها و بحران‌هایی را داشته‌اند.

نزدیکی به قله به معنای به قله رسیدن نیست! هنوز سربالایی دارید و هنوز باید هزینه بدهید و هنوز باید تلاش کنید و مشکلاتی را پشت سر بگذارید. اما در نزدیکی قله، یقیناً بحران‌ها کمتر از زمانی است که قصد شروع حرکت و صعود به سمت قله را داشتیم و با چالش‌های آسان‌تری مواجه خواهیم بود. به عنوان مثال، ما یک زمانی چالشمان این بود که در جنگ به ما سیم خاردار نمی‌دادند. اما امروز چالش دنیا با ما این هست که در جنگ‌های دیگر ما به کشورها سلاح پیشرفته ندهیم. چالش ما زمانی این بود که خدمات فنی مهندسی به ما ارائه نمی‌دادند؛ اما امروز چالش دنیا با ما این است که خدمات فنی و مهندسی در حوزه پالایشگاهی را به کشورهای آمریکای لاتین ارائه نکنیم.

چالش‌های امروز ما، به مراتب آسان‌تر از چالش‌هایی هست که در ابتدای این حرکت با آن‌ها مواجه بودیم و به همین مراتب حل شدن آنها نیز راحت‌تر است. برخی از این چالش‌ها به واسطه سختی‌های طبیعی این مسیر است و برخی از چالش‌ها به واسطه بحران‌سازی‌های دشمنان است و برخی از چالش‌ها به واسطه سوء مدیریت‌ها و فاصله گرفتن از آرمان‌گرایی انقلابی است که در کشور ما بارها اتفاق افتاده است و برخی از مسئولین به اندازه کافی از قانون حمایت از تولید تبعیت نکرده‌اند. به همین خاطر به ما ضربه‌هایی وارد شده است و مسیر را برای ما طولانی‌تر کرده است اما جهت‌مان درست است و با حمایت مردم و اقدامات شبانه روزی مسئولات به قله خواهیم رسید. در این مرحله که احتیاج به اصلاح ساختارها به نفع تولید و حل مشکلات نقدینگی و تورم هستیم، مردم باید به کشور‌خود و مجریان رده اول آن که به این مسیر معتقدند اعتماد کرده و اقدامات مثبت و دستاوردهای آن را در مسیر همین مراحل رصد کنند و گوش به اخبار جعلی دشمن نسپارند و دست در دست هم میهن خویش کنند آباد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

1. https://www.farsnews.ir/news/13910123001242 [↑](#footnote-ref-1)
2. <https://irna.ir/xjLHfv> [↑](#footnote-ref-2)